

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Architectural Components Affecting the Formation of Collective Behavior in
Ritual Spaces of Northern Iran (Case Study: Saqanfars of Babylon)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در فضاهای آیینی شمال ایران (مطالعه موردی: سقانفارهای شهر بابل)*

نجمه مهدی‌زاده^۱، محمد حسن خادم‌زاده^{۲*}

۱. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، پردیس بین‌الملل کیش، دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشکده معماری، دانشکده‌های زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

چکیده

بیان مسئله: فضاهای آیینی به‌عنوان بسترهای کالبدی و معنایی، نقش مهمی در سازمان‌دهی رفتار جمعی جوامع سنتی ایفا می‌کنند. در شمال ایران، سقانفارها به‌عنوان معماری آیینی منحصربه‌فرد در میان مردم مازندران، نه تنها محلی برای برگزاری مراسم مذهبی هستند، بلکه با ویژگی‌های فضایی خاص خود، رفتارهای جمعی و الگوهای کنش اجتماعی را سازمان‌دهی می‌کنند. با این حال، تاکنون کمتر به تأثیر مؤلفه‌های کالبدی سقانفارها بر شکل‌گیری رفتار جمعی پرداخته شده است.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در سقانفارهای شهر بابل با رویکردی کیفی، به‌منظور درک نقش فضاهای آیینی بومی در تقویت تعاملات اجتماعی و هویت جمعی است.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی انجام شد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از معماران بومی، متولیان و اهالی، مشاهده مشارکتی و ثبت میدانی انجام شد. داده‌های کیفی با روش تحلیل مضمون براون و کلارک کدگذاری و تحلیل شدند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی مانند ایوان‌های روباز، ستون‌های چوبی، پله‌های بیرونی، سلسله‌مراتب فضایی و تزئینات نمادین سقانفارها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار جمعی آیینی دارند. این عناصر با ایجاد قابلیت دید و دسترسی مشترک، سازمان‌دهی مسیرهای حرکتی و تداعی مفاهیم نمادین مذهبی به بازتولید معنا و تقویت حس هویت و تعلق جمعی در میان مشارکت‌کنندگان کمک می‌کنند. نتایج پژوهش می‌تواند در طراحی فضاهای آیینی معاصر با رویکرد بومی‌گرایانه و ارتقای کیفیت تجربه جمعی استفاده شود.

واژگان کلیدی: سقانفار، معماری آیینی، رفتار جمعی، فضای مذهبی، تحلیل مضمون.

مقدمه و بیان مسئله

فضاهای آیینی در فرهنگ‌های مختلف جهان همواره به‌عنوان بسترهایی برای بروز و بازتولید رفتارهای جمعی و هویت‌های فرهنگی ایفای نقش کرده‌اند (AlSayyad, 2014). این فضاها

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «نجمه مهدی‌زاده» با عنوان «برهم‌کنش مؤلفه‌های طراحی معماری و تعاملات اجتماعی در سرزندگی بناهای عمومی (مطالعه موردی: سقانفارهای شهر بابل)» است که به راهنمایی دکتر «محمد حسن خادم‌زاده» در دانشکده معماری دانشگاه تهران در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۰۰۹۰۹۸@ut.ac.ir, khademzade

با سازمان‌دهی فضایی ویژه، امکان شکل‌گیری مناسک مذهبی، آیین‌های جمعی و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌سازند و در واقع محیط‌های کالبدی را به عرصه‌های کنش اجتماعی بدل می‌کنند (Madanipour, 2017). در این میان، معماری بومی هر منطقه به‌دلیل پیوند عمیق با زمینه فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی خود، نمونه‌های اصیل و شاخصی از فضاهای آیینی را دربر می‌گیرد که مطالعه آنها می‌تواند راهگشای طراحی فضاهای آیینی معاصر باشد (Shepley & Pasha, 2021). شمال ایران

سقانفارهای بابل به شکل‌گیری رفتار جمعی آیینی منجر می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند با ارائه الگویی مفهومی برای طراحی فضاهای آیینی بومی و ارتقای کیفیت رفتارهای جمعی مذهبی در شمال ایران همراه باشد.

پیشینه پژوهش

مطالعه پیشینه پژوهش در حوزه فضاهای آیینی و رفتارهای جمعی در معماری بومی ایران و جهان نشان می‌دهد که تاکنون رویکردهای متنوعی به این موضوعات اتخاذ شده است. به‌طور کلی، می‌توان مطالعات پیشین را در سه دسته اصلی شامل: پژوهش‌های مرتبط با نقش فضاهای آیینی در تعاملات اجتماعی، مطالعات معماری بومی شمال ایران و پژوهش‌های تخصصی درباره سقانفارها طبقه‌بندی کرد. در زمینه نقش فضاهای آیینی بر رفتار جمعی، راپوپورت (Rapoport, 2005) بر اهمیت سازماندهی فضایی، ریتم سازه‌ای و مرزهای نمادین در شکل‌گیری تجربه‌های مشترک آیینی تأکید کرده است. وی فضاهای آیینی را بستری برای تثبیت هویت جمعی و بازتولید نظام‌های فرهنگی دانسته است. به‌طور مشابه، لوفور (Lefebvre, 1991) در نظریه تولید فضا، به ماهیت اجتماعی-سیاسی فضاهای آیینی اشاره دارد و آنها را مکان‌هایی برای خلق معنا و هویت جمعی می‌داند. همچنین گیدنز (Giddens, 1984) در نظریه ساخت‌یابی، فضاهای آیینی را بستر بازتولید ساختارهای اجتماعی می‌داند و معتقد است این فضاها از طریق الگوهای فضایی خود، رفتارهای جمعی را نظم می‌بخشند (Foruzanmehr & Vellinga, 2011). دسته دوم پژوهش‌ها به معماری بومی شمال ایران پرداخته‌اند. کسمایی (Kasmai, 2013) در کتاب «اقلیم و معماری» به تشریح ویژگی‌های کالبدی-اقلیمی بناهای مازندران و نقش ایوان‌های روباز، جداره‌های شفاف و مصالح چوبی در شکل‌دهی به کیفیت فضایی پرداخته است. معماریان و براون (Memarian & Brown, 2003) نیز در مطالعه‌ای تطبیقی به ارتباط میان سازمان فضایی و رفتارهای اجتماعی در معماری بومی مازندران پرداختند و دریافتند که سلسله‌مراتب فضایی و ریتم سازه‌ای بناها نقش کلیدی در تعاملات جمعی دارند. سومین دسته مطالعات به سقانفارها به‌عنوان گونه‌ای خاص از معماری آیینی شمال ایران اختصاص دارد. مطالعات جانعلیزاده چوب‌بستی و ذال (۱۳۸۹) به طبقه‌بندی تیپولوژیک سقانفارها و تبیین ویژگی‌های معماری آنها پرداخته است. ایشان سقانفارها را بناهایی با دو عملکرد اصلی مذهبی و اجتماعی دانسته‌اند که طبقه همکف آنها برای تجمع و برگزاری آیین‌های محرم و طبقه دوم برای نگهداری نذورات کاربرد دارد. همچنین به چالش‌های حفاظتی این بناها اشاره داشته و بر ضرورت حفظ اصالت کالبدی آنها تأکید کرده‌اند. شیرین جانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود ضمن بررسی

به‌ویژه استان مازندران، به دلیل فرهنگ غنی مذهبی و آیینی، دارای گونه‌ای خاص از معماری آیینی به نام سقانفار است که نقشی کلیدی در حفظ آیین‌های محرم و شکل‌گیری رفتارهای جمعی مذهبی دارد (جانعلیزاده چوب‌بستی و ذال، ۱۳۸۹). سقانفارها بناهای چوبی دوطبقه‌ای هستند که طبقه بالا محل نگهداری نذورات و نمادهای مذهبی و طبقه همکف به‌عنوان فضای جمعی برای برگزاری آیین‌های عاشورایی و تعاملات اجتماعی اهالی استفاده می‌شود (مقبلی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع، این بناها فراتر از یک عملکرد کالبدی، واجد معناهای اجتماعی- فرهنگی عمیقی هستند که کارکرد آیینی آنها را تضمین می‌کند (Zal & Fallah, 2014). باوجود اهمیت اجتماعی سقانفارها، مطالعات اندکی به تحلیل ارتباط میان مؤلفه‌های کالبدی-فضایی این بناها و شکل‌گیری رفتارهای جمعی آیینی پرداخته‌اند و عمده پژوهش‌های موجود صرفاً به توصیف ویژگی‌های معماری یا ارزش‌های میراثی آنها محدود شده است (حیدری و اسدی، ۱۴۰۱). درحالی‌که طبق نظریه‌های فضا و رفتار، سازماندهی فضایی، سلسله‌مراتب دسترسی، شفافیت جداره‌ها و نحوه قرارگیری بنا در بافت پیرامونی، نقشی اساسی در نوع و کیفیت رفتارهای جمعی دارند (Madanipour, 2017). برای مثال، راپوپورت (Rapoport, 2005) تأکید می‌کند که فضاهای آیینی با استفاده از سلسله‌مراتب حرکتی، ریتم سازه‌ای، شفافیت بصری و نفوذپذیری، بستر تجربه مشترک آیینی و تقویت تعاملات اجتماعی را فراهم می‌سازند. از سوی دیگر، نظریه‌های تولید فضا نظیر دیدگاه لوفور (Lefebvre, 1991) و ساخت‌یابی گیدنز (Giddens, 1984) نیز نشان می‌دهد که فضاهای آیینی از رهگذر ترکیب مؤلفه‌های کالبدی و سازوکارهای اجتماعی، معنا و هویت جمعی را تولید و بازتولید می‌کنند. بنابراین، مطالعه معماری سقانفارها به‌عنوان فضاهایی که در عین سادگی کالبدی، واجد پیچیدگی‌های معنایی و اجتماعی‌اند، ضرورتی مضاعف می‌یابد (حیدری و اسدی، ۱۴۰۴). مسئله اصلی این پژوهش آن است که باوجود اهمیت تاریخی و اجتماعی سقانفارهای بابل، شناخت دقیقی از چگونگی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی آنها بر شکل‌گیری رفتارهای جمعی آیینی وجود ندارد و این خلأ دانشی می‌تواند پیامدهایی نظیر نادیده‌انگاری مؤلفه‌های فضایی مؤثر در مرمت، باززنده‌سازی یا طراحی الگوهای آیینی معاصر به دنبال داشته باشد. از این‌رو، هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در سقانفارهای بابل به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین فضاهای آیینی شمال ایران است تا ضمن ارتقای دانش نظری معماری آیینی، امکان بهره‌برداری از اصول فضایی این بناها در طراحی فضاهای مذهبی معاصر فراهم آید. برای دستیابی به این هدف، سؤال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود: کدام مؤلفه‌های کالبدی و فضایی معماری

بروز رفتارهای جمعی و انسجام اجتماعی را فراهم می‌سازد. در رویکرد معماری رفتاری، راپوپورت (Rapoport, 2005) به ارتباط مستقیم سازماندهی فضایی با شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی اشاره دارد. به‌زعم وی، مفاهیمی همچون قلمرو، سلسله‌مراتب فضایی، ریتم سازه‌ای و مرزهای نمادین، ادراکات رفتاری کاربران را جهت‌دهی می‌کنند و کیفیت‌های کالبدی قادرند معناهای فرهنگی را رمزگذاری و به کنش‌های آیینی تبدیل کنند. ازسوی دیگر، لوفور (Lefebvre, 1991) در نظریه «تولید فضا»، فضا را محصول روابط اجتماعی می‌داند که از طریق بازنمایی‌ها و عمل اجتماعی ساخته می‌شود؛ بدین معنا که ویژگی‌های کالبدی فضاهای آیینی تنها در بستر اجتماعی و عملکرد جمعی آن‌ها معنا می‌یابد. در ایران نیز به اهمیت فضاهای آیینی در مطالعات پژوهشگران داخلی به‌ویژه در حوزه معماری بومی و مردم‌شناسی به‌کرات تأکید شده است. به گفته کسمایی (Kasmai, 2013)، فضاهای آیینی بومی ایران، از جمله سقائفارهای مازندران، حامل نظام‌های فضایی ویژه‌ای هستند که هم‌زمان جنبه‌های کالبدی، نمادین و اجتماعی را در بر می‌گیرند. اکبرپورکامی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌ای تطبیقی نشان داده‌اند که سقائفارها، به‌عنوان یکی از گونه‌های خاص معماری چوبی شمال ایران، نقشی فراتر از یک سازه مذهبی صرف داشته و بستری برای مشارکت جمعی و بازنمایی باورهای دینی محلی فراهم کرده‌اند. همچنین مطالعات میدانی پژوهشگران داخلی نیز اهمیت سقائفارها را در سازمان‌دهی رفتار جمعی تأیید می‌کنند. حبیبی و مقصودی (Habibi & Maghsoudi, 2022) سلسله‌مراتب فضایی سقائفارها - از همکف به‌عنوان عرصه اجتماع عمومی تا طبقه فوقانی به‌عنوان فضای قدسی - امکان سامان‌دهی هم‌زمان رفتارهای عمومی و خصوصی آیینی را فراهم می‌سازد. پیرنیا (۱۳۹۷) نیز معتقد است که ایوان‌های روباز این بناها با حذف مرزهای دیداری، بستری برای تجربه مشترک و هم‌صدایی جمعی ایجاد می‌کنند و به انسجام اجتماعی دامن می‌زنند. ازسوی دیگر، پژوهش کلانتر (Kalantar, 2020) با رویکرد حفاظت معماری نشان می‌دهد سقائفارها علاوه بر اهمیت مذهبی، به‌عنوان میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، نقشی کلیدی در بازنمایی هویت محلی ایفا می‌کنند. همین دیدگاه در اثر زارعی و همکاران (Zarei et al., 2021) نیز دیده می‌شود؛ که سقائفار را به‌منزله عاملی برای بازتولید انسجام اجتماعی و حافظه جمعی معرفی کرده‌اند. تزئینات نمادین سقائفارها، از جمله نقوش عاشورایی، کتیبه‌ها و تزئینات چوبی، بُعد دیگری از مبانی نظری این پژوهش را آشکار می‌سازد. به باور الیاده (Eliade, 2013)، این نمادها کارکردی فراتر از تزئین دارند و به‌منزله رمزگان فرهنگی عمل می‌کنند که از طریق آن‌ها قدسیت و معنای دینی بازنمایی می‌شود. این دیدگاه با یافته‌های پژوهشگران داخلی نیز هم‌راستا است؛ به‌طور مثال،

عملکرد فضایی سقائفارها، به نقش ایوان‌های روباز در شکل‌گیری رفتارهای جمعی آیینی اشاره کرده‌اند. مطالعات دیگری نیز به بررسی ابعاد معنایی و هویتی سقائفارها پرداخته‌اند. برای مثال، محمودی و همکاران (۱۳۸۸) سقائفارها را عاملی برای تقویت انسجام اجتماعی و بازتولید هویت محلی دانسته‌اند. عزیزپور شوبی و همکاران (Azizpour Shoubi et al., 2021) نیز در پژوهش خود بر ارتباط میان الگوی فضایی سقائفارها و بازنمایی هویت فرهنگی اهالی تأکید داشته‌اند. رفیعی (Rafiee, 2012) در پژوهش خود دریافت که سقائفارها غیر از ساختار، در برگزیده فرهنگ شفاهی مردمانی می‌باشد که همیشه در بستر تاریخ سیاسی و مذهبی نسبت به تعاملات دینی و مذهبی بی‌تفاوت نبوده‌اند. جانعلیزاده چوب بستنی و ذال (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که سقائفارها محلی برای تجمع و تعامل جوانان در ایام محرم، محلی برای برقراری ارتباطات اجتماعی، تجدید دیدارها و صلۀ رحم آشنایان، دوستان و اقوام هستند که همه و همه نشان از وجه دینی سقائفار و کارکرد دینی و اجتماعی آن دارد.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اکثر پژوهش‌های موجود بر توصیف معماری سقائفارها، طبقه‌بندی تیپولوژیک یا ارزش‌های حفاظتی آنها متمرکز بوده‌اند و کمتر به تحلیل رابطه میان مؤلفه‌های کالبدی - فضایی این بناها و شکل‌گیری رفتارهای جمعی آیینی پرداخته‌اند. این در حالی است که شناخت چنین ارتباطی می‌تواند به ارتقای کیفیت طراحی فضاهای آیینی معاصر و حفظ کارکرد اجتماعی این بناها کمک کند. بدین ترتیب، نوآوری این پژوهش در تمرکز بر تحلیل مؤلفه‌های کالبدی - فضایی سقائفارها با رویکرد رفتاری و ارائه چارچوبی نظری برای درک رابطه میان سازمان فضایی و رفتار جمعی آیینی در این گونه بناهای بومی است؛ موضوعی که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است.

مبانی نظری

مطالعه مبانی نظری پیرامون رابطه معماری و رفتار جمعی در فضاهای آیینی، نیازمند بررسی مفاهیم کلیدی همچون فضاهای آیینی و عملکرد آن‌ها، رفتار جمعی، و نظریات کالبدی - اجتماعی معماری بومی است. فضاهای آیینی، به‌عنوان بستری برای بازنمایی هویت جمعی و بازتولید مناسک اجتماعی، واجد ویژگی‌های فضایی منحصربه‌فردی هستند. الیاده (Eliade, 2013) در نظریه «فضای مقدس» بیان می‌کند که چنین فضاهایی با جداسازی خود از فضای عادی، نظمی قدسی ایجاد می‌کنند و از طریق نشانه‌های فضایی، هویت جمعی را بازآفرینی می‌کنند. ترنر (Turner, 2012) نیز در نظریه «کمونیتاس» فضاهای آیینی را بستر تجربه وحدت و تعلیق سلسله‌مراتب‌های اجتماعی می‌داند که امکان

آیینی است. جامعه پژوهش شامل سقانفارهای فعال شهر بابل بود و سه نمونه شاخص (سقانفار کیجاتکیه، کبودکلا و شوبکلا؛ به ترتیب در تصاویر ۱، ۲ و ۳) با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان واحدهای تحلیل انتخاب شدند.

گردآوری داده‌ها از سه منبع مکمل گردآوری شدند: - مطالعه اسنادی: برای استخراج مفاهیم نظری رفتار جمعی و الگوهای کالبدی معماری آیینی.

- مشاهده میدانی مشارکتی: ثبت و تحلیل مستقیم رفتارهای آیینی، مسیرهای حرکتی و نقاط تجمع افراد در ایام محرم به‌عنوان بستر اصلی بروز رفتار جمعی.

- مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته: با ۱۲ نفر از متولیان، معماران محلی و اهالی پیرامون ادراک فضایی و معنای کالبد سقانفارها.

ابزارهای پژوهش شامل دوربین عکاسی، چک‌لیست تحلیل



تصویر ۱. سقانفار کبودکلا. عکس: حسین روانبخش، ۱۳۸۸.



تصویر ۲. سقانفار شوبکلا. مأخذ: www.newuploader.bezanimbiroon.ir.



تصویر ۳. سقانفار کیجاتکیه. مأخذ: <https://b2n.ir/j83494>.

محمودی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند نمادپردازی در سقانفارها موجب تقویت هویت محلی و بازآفرینی پیوند میان فرد، جامعه و آیین‌های مذهبی می‌شود.

از منظر اجتماعی، ستون‌های چوبی و ریتم تکرارشونده آن‌ها، که توسط دوی (Dovey, 2016) و مدنی‌پور (Madanipour, 2017) نیز در چارچوب نظریه‌های فضا و اجتماع بررسی شده‌اند، در پژوهش‌های داخلی همچون آثار پیرنیا (۱۳۹۷) نیز مورد توجه قرار گرفته است. آنان بر این باورند که این نظم کالبدی نه‌تنها پایداری سازه را تضمین می‌کند، بلکه نمادی از ثبات، همبستگی و وحدت جمعی است. بنابراین، مبانی نظری این پژوهش بر ترکیب دو رویکرد استوار است:

۱. رویکرد نظری کلان که براساس آثار اندیشمندان بین‌المللی همچون لوفور (Lefebvre, 1991)، راپوپورت (Rapoport, 2005)، ترنر (Turner, 1982) و الیاده (Eliade, 2013) شکل می‌گیرد و مفاهیمی چون تولید اجتماعی فضا، تجربه آیینی و نقش کالبد در هدایت رفتار جمعی را تبیین می‌کند.

۲. رویکرد بومی که با استناد به مطالعات پژوهشگران ایرانی، به‌ویژه در حوزه معماری بومی، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نظیر محمودی و همکاران (۱۳۸۸)، زارعی و همکاران (Zarei et al., 2021)، شیرین جانی و همکاران (۱۳۹۴)، عزیزپور شوبی و همکاران (Azizpour Shoubi et al., 2021)، کسامی (Kasmai, 2013)، اکبرپورکامی و همکاران (۱۳۹۴)، پیرنیا (۱۳۹۷) و کلانتار (Kalantar, 2020) بر ویژگی‌های خاص سقانفارها و نقش آن‌ها در بازنمایی فرهنگ و آیین‌های مذهبی شمال ایران تأکید دارد.

در جمع‌بندی مبانی نظری، می‌توان بیان داشت که: - فضاهای آیینی واجد ویژگی‌های کالبدی خاص همچون ریتم سازه‌ای، سلسله‌مراتب فضایی و نشانه‌های نمادین هستند. - این ویژگی‌ها بستر بروز رفتارهای جمعی و تجربه کمونیتاس را فراهم می‌کنند.

- سقانفارها، به‌عنوان مصداق معماری آیینی بومی شمال ایران، نمونه‌ای بارز از تحقق این مبانی نظری در بستری فرهنگی و اقلیمی محسوب می‌شوند.

این چارچوب نظری مبنای تحلیل‌های بعدی مقاله خواهد بود و امکان ارزیابی رابطه میان مؤلفه‌های کالبدی سقانفارها و رفتار جمعی آیینی را فراهم می‌سازد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی - تحلیلی و راهبرد مطالعه موردی منفرد انجام شد تا مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در سقانفارهای بابل شناسایی شود. تمرکز اصلی پژوهش، تحلیل ارتباط میان کالبد سقانفار و بروز رفتار جمعی

محوری در شکل‌گیری رفتارهای جمعی آیینی دارند و این فضاها تنها به‌عنوان یک بنای مذهبی عمل نمی‌کنند، بلکه بستری برای بازتولید معنا، هویت جمعی و انسجام اجتماعی محسوب می‌شوند. **جدول ۲**، خلاصه‌ای از کدگذاری اولیه، فراوانی اشاره (وزن)، و مضامین نهایی استخراج‌شده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان (شامل متولیان، معماران محلی و اهالی) را نمایش می‌دهد. نام افراد به‌منظور رعایت اصول اخلاق پژوهش حذف و با کد جایگزین شده‌اند. بنابر **جدول ۲**، بیشترین فراوانی اشاره مربوط به مؤلفه‌های ایوان‌های روباز و ستون‌های چوبی است که مضمون «کالبد هدایتگر رفتار جمعی» را تقویت و تزئینات نمادین و نقوش آیینی به‌ویژه در مصاحبه‌های P۳، P۵ و P۷ با تأکید بیشتری بیان شده‌اند و مضمون «فضا به‌عنوان بستر بازتولید معنا و هویت جمعی» را برجسته می‌کنند.

• مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر رفتار جمعی

- ایوان‌های روباز به‌عنوان بستر تعامل اجتماعی
مشاهدات میدانی نشان داد ایوان‌های روباز طبقه فوقانی سقافارها، مهم‌ترین فضای تعامل آیینی و اجتماعی هستند.

فضایی، فرم ثابت رفتارها و ضبط مصاحبه‌ها بود. داده‌ها به‌روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بررسی شدند تا:
- کدهای اولیه مرتبط با ویژگی‌های کالبدی (ریتم سازه‌ای، ایوان و فضای بازشو، سلسله‌مراتب فضایی، نمادپردازی) و رفتارهای جمعی (تجمع، مشارکت، هم‌زمانی کنش‌ها) شناسایی شوند.

- ارتباط میان این کدها در قالب مضامین اصلی «کالبد هدایتگر رفتار جمعی» و «فضا به‌عنوان بستر کمونیتاس» سازماندهی شود.

برای اعتبارسنجی نتایج، از مثلث‌سازی منابع داده و بازبینی نتایج با سه تن از خبرگان معماری آیینی و بومی استفاده شد تا صحت مضامین استخراج‌شده و ارتباط میان کالبد سقافار و رفتار جمعی تأیید شود.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش حاصل تحلیل مضمون داده‌های میدانی، مصاحبه‌ها و مشاهدات مشارکتی در سه سقافار شاخص شهر بابل است. مطابق با **جدول ۱** نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی- فضایی سقافارها نقش

جدول ۱. ارتباط مؤلفه‌های کالبدی سقافارها با رفتار جمعی آیینی. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه کالبدی	توصیف کالبدی	رفتار جمعی مرتبط	توضیح تحلیلی	منابع
ایوان‌ها و فضای بازشو	ایوان‌های چوبی روباز در طبقه فوقانی	اجتماع، نظاره جمعی، هم‌زمانی کنش‌ها	ایوان با حذف مرزهای دیداری، رفتارهای جمعی نظیر نوحه‌خوانی گروهی و هماهنگی آیینی را تسهیل می‌کند.	احدی (۱۳۹۳)، محمودی و همکاران (۱۳۸۸)، Memarian & Brown (2003), Gehl (2013), Turner (1982), Rapoport (2005),
پله‌های بیرونی و دسترسی عمودی	پله‌های چوبی بیرونی با شیب ملایم	حرکت جمعی، تجربه انتقالی	دسترسی عمودی بیرونی باعث مشارکت‌پذیری و تجربه آیینی انتقال به فضای قدسی فوقانی می‌شود.	Rapoport (2005), Low (2017), Eliade (2013), Habibi & Maghsoudi (2022), Kasmai (2013), Memarian & Brown (2003)
ستون‌ها و ریتم سازه‌ای	ستون‌های منظم چوبی با فواصل برابر	همبستگی روانی، حس وحدت	ریتم تکرارشونده ستون‌ها حس نظم و پیوستگی جمعی را تقویت می‌کند.	Kasmai (2013), Dovey (2016), Madanipour (2017), Salama (2015), Lefebvre (1991), Memarian & Brown (2003), Kalantar (2020)
تزئینات نمادین (کنیبه‌ها و نقوش آیینی)	کتیبه‌های مذهبی، نقوش شیر و شکر، نمادهای عاشورایی	هویت جمعی، بازتولید معنا	این نمادپردازی‌ها یادآور اسطوره‌های دینی و بازتولید هویت جمعی در رفتارهای آیینی است.	مقبلی و همکاران (۱۳۹۱)، Eliade (2013), Turner (1982), Rapoport (2016), Low (2017), Kalantar (2020)
سلسله‌مراتب فضایی (طبقه همکف و فوقانی)	جداسازی عملکردی طبقات	تفکیک کنش‌های آیینی، نظم اجتماعی	طبقه همکف به اجتماع عمومی و طبقه فوقانی به کارکرد قدسی اختصاص می‌یابد که رفتارها را سازماندهی می‌کند.	Memarian & Brown (2003), Foruzanmehr & Vellinga (2011), Lefebvre (1991), Turner (1982), Kasmai (2013)

در مصاحبه‌ها بیان کردند که حضور در ایوان‌ها حس تعلق و برابری را در آنان تقویت می‌کند. این یافته با نظریه «کمونیتاس» ترنر (Turner, 2012) مطابقت دارد که فضاهای آیینی را بستر تجربه وحدت و تساوی می‌داند (جدول ۳).

• پله‌های بیرونی و تجربه حرکت آیینی

پله‌های بیرونی چوبی سقائفارها از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار کالبدی هستند. این پله‌ها که ارتباط عمودی میان زمین و

این ایوان‌ها که بدون جداره بسته و در ارتفاع بالاتر از سطح زمین قرار دارند، به دلیل:

- حذف مرزهای دیداری
- ایجاد امکان تماشای جمعی آیین‌ها
- فراهم‌سازی حس مشارکت یکپارچه
- رفتارهایی چون نوحه‌خوانی جمعی، هم‌خوانی اشعار آیینی و ادای ندورات گروهی را تسهیل می‌کنند. مشارکت‌کنندگان جدول ۲. وزن‌دهی مصاحبه‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

مضمون نهایی	فراوانی اشاره (Weight)	کدهای اولیه	کد مصاحبه‌شونده
کالبد هدایتگر رفتار جمعی / فضا به‌عنوان بستر معنا	۱۸	ایوان روباز، ستون‌ها، پله بیرونی، تزئینات نمادین	P1
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۱۲	ایوان، پله بیرونی، سلسله‌مراتب فضایی	P2
بازتولید معنا و هویت جمعی	۱۴	تزئینات نمادین، ایوان، ریتم ستون‌ها	P3
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۱۱	ستون‌ها، ایوان، سلسله‌مراتب فضایی	P4
فضا به‌عنوان بستر بازتولید معنا	۱۰	پله بیرونی، ایوان، نقوش مذهبی	P5
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۸	ایوان روباز، ستون‌ها	P6
بازتولید معنا و هویت جمعی	۹	تزئینات نمادین، سلسله‌مراتب فضایی	P7
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۱۳	ستون‌ها، ایوان، پله بیرونی	P8
فضا به‌عنوان بستر بازتولید معنا	۷	ایوان، تزئینات مذهبی	P9
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۶	سلسله‌مراتب فضایی، پله بیرونی	P10
بازتولید معنا و هویت جمعی	۵	ستون‌ها، نقوش آیینی	P11
کالبد هدایتگر رفتار جمعی	۱۵	ایوان، ستون‌ها، سلسله‌مراتب فضایی	P12

جدول ۳. تحلیل نمونه کدها و مضامین با مثال مصاحبه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

کد اولیه	مضمون میانی	مضمون نهایی	مثال جمله مشارکت‌کننده
P1	نقش ایوان در تجمع و تعامل اجتماعی	کالبد هدایتگر رفتار جمعی	«وقتی تو ایوان هستیم، صدامون یکی میشه، همه باهم نوحه می‌خونیم.»
P2	تجربه گذر آیینی	کالبد هدایتگر رفتار جمعی	«پله‌ها حس میدن داری می‌ری بالا پیش خدا، نیتت خالص‌تره.»
P3	ریتم ستون‌ها و حس امنیت روانی	کالبد هدایتگر رفتار جمعی	«ستون‌ها انگار محافظن، هم محکم هم منظم.»
P5	نمادپردازی مذهبی	فضا به‌عنوان بستر بازتولید معنا	«تصاویر سقائفار رو نگاه می‌کنی، دلت کربلاست.»
P7	سلسله‌مراتب فضایی	کالبد هدایتگر رفتار جمعی	«همه اول پایین جمع میشن، بعد یکی یکی نذر میدن و میرن بالا.»
P9	معنابخشی آیینی	فضا به‌عنوان بستر بازتولید معنا	«وقتی می‌خونی حسین (ع)، اشک آدم درمیاد، دلش می‌لرز.»

- سلسله مراتب فضایی و سازماندهی رفتارها
سلسله مراتب فضایی سقانفارها، به ویژه جداسازی عملکردی طبقه همکف و فوقانی، الگوی مهم دیگری بود. یافته‌های میدانی نشان داد:

- طبقه همکف: فضای عمومی تجمع و اجرای تعزیه.
- طبقه فوقانی: محفظه نذورات و فضای نیمه خصوصی برای نذر و نیایش فردی.

این سازماندهی فضایی باعث نظم اجتماعی و توزیع رفتارهای آیینی مطابق با شأن مکان‌ها می‌شود و تجربه مشارکت معنوی افراد را عمیق‌تر می‌کند.

• مضامین نهایی یافته‌ها

تحلیل مضمون داده‌ها منجر به استخراج دو مضمون اصلی به‌عنوان نتایج نهایی پژوهش شد (جدول ۴).

• تحلیل تطبیقی با مبانی نظری

- مطابق نظریه کمونیتاس ترنر (Turner, 1982)، فضاهای آیینی بستر تعلیق مرزهای اجتماعی و تجربه وحدت‌اند؛ سقانفارها با ساختار باز ایوان‌ها و حذف سلسله مراتب در ارتفاع، این امر را محقق می‌کنند.

- براساس نظریه ریتم سازه‌ای راپوپورت (Rapoport, 2005)، ستون‌ها و تکرار الگوها در کالبد سقانفار، حس وحدت و چک شد آرامش روانی ایجاد می‌کند.

- الیاده (Eliade, 2013) بر نقش نشانه‌های مقدس در تقدس بخشی فضا تأکید می‌کند؛ تزئینات سقانفارها این تقدس را برای رفتارهای آیینی بازنمایی می‌کند.

• جمع‌بندی یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سقانفارها به‌عنوان معماری آیینی بومی شمال ایران، واجد سازمان فضایی منسجم و نمادپردازی معناداری هستند که رفتار جمعی را نه تنها هدایت بلکه هویت‌بخشی می‌کنند. این فضاها نمونه‌ای از تحقق مفهوم فضا به‌مثابه رفتار (Space as Behavior) در بستر فرهنگی و مذهبی شمال ایران محسوب می‌شوند. چنین برداشتی می‌تواند الگوی طراحی فضاهای آیینی معاصر را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد.

طبقه فوقانی را برقرار می‌کنند، برخلاف پله‌های درونی، از بیرون بنا امتداد می‌یابند. نتایج تحلیل مضمون مصاحبه‌ها نشان داد:

- این پله‌ها با حذف مرز خصوصی - عمومی، حس مشارکت‌پذیری را تقویت می‌کنند.

- حرکت روی پله‌ها، نوعی «تجربه انتقالی» از فضای دنیوی به فضای قدسی ایجاد می‌کند که بارها توسط اهالی با عبارت «بالارفتن به نیت قربت» توصیف شد.

این یافته با نظریه الیاده (Eliade, 2013) درباره مفهوم فضای مقدس و مسیرهای انتقالی همخوان است که حرکت در این مسیرها را نوعی گذر آیینی قلمداد می‌کند.

- ستون‌های چوبی و ریتم سازه‌ای

ستون‌های چوبی سقانفارها که در چهار طرف بنا با فواصل منظم چیده شده‌اند، دارای عملکردی فراتر از نقش سازه‌ای هستند. یافته‌های تحلیل نشان داد:

- ریتم تکرارشونده ستون‌ها، حس نظم، ثبات و امنیت روانی را در مشارکت‌کنندگان آیین‌ها ایجاد می‌کند.

- افراد در مصاحبه‌ها اشاره کردند که ستون‌ها، نمادی از «استواری ایمان» در فرهنگ محلی است.

این نتیجه با نظریات راپوپورت (Rapoport, 2005) و داوی (Dovey, 2016) درباره تأثیر ریتم سازه‌ای بر ادراک رفتار اجتماعی مطابقت دارد.

- تزئینات نمادین و باز تولید معنا

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش تزئینات نمادین سقانفارها در رفتارهای جمعی آیینی بود. در هر سه نمونه مورد مطالعه، تزئیناتی شامل:

- کتیبه‌های مذهبی (آیات و احادیث مرتبط با امام حسین (ع))

- نقوش شیر و شکر به‌عنوان نماد ایثار و شهادت

- تصاویر نمادین از ذوالجناح، دست علم و شمایل اولیا

وجود داشت که مشارکت‌کنندگان آن‌ها را «یادآور اسطوره‌های دینی» و «راهبر ذهنی رفتار آیینی» دانستند. تحلیل مضمون نشان داد که این تزئینات، معنابخشی به فضا و انگیزش عاطفی برای حضور فعال‌تر در آیین‌ها را فراهم می‌کند.

جدول ۴. تحلیل مضمون داده‌ها. مأخذ: نگارندگان.

توضیح تحلیلی	مضمون نهایی	کدگذاری اصلی
کالبد سقانفارها به‌واسطه این عناصر فضایی، الگوهای حرکتی و جمعی را هدایت می‌کند و حس همبستگی اجتماعی را ارتقا می‌دهد.	کالبد هدایتگر رفتار جمعی	ایوان روباز، پله‌های بیرونی، ستون‌ها، سلسله مراتب فضایی
نمادها و نشانه‌های مذهبی موجود در سقانفارها، معنای مشترک آیینی و هویت فرهنگی را به کاربران منتقل می‌کند و رفتارهای آیینی را جهت‌دهی می‌کند.	فضا به‌عنوان بستر باز تولید معنا و هویت جمعی	تزئینات نمادین، نقش‌های مذهبی

بحث

شهر بابل به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از معماری آیینی بومی شمال ایران، ظرفیت‌های ویژه‌ای در شکل‌دهی و هدایت رفتار جمعی دارند. تحلیل داده‌های میدانی، مصاحبه‌ها و مشاهده مشارکتی تأیید کرد که مؤلفه‌های کالبدی نظیر ایوان‌های روباز، پله‌های بیرونی، ستون‌های چوبی و تزئینات نمادین، نقشی فراتر از عملکرد سازه‌ای و فضایی ایفا می‌کنند و عملاً بستر تجلی تجربه مشترک آیینی را فراهم می‌آورند.

مطابق با نظریه «کمونیتاس» ترنر (Turner, 1982)، فضاهای آیینی محل تعلیق ساختارهای اجتماعی و تجربه وحدت جمعی‌اند. یافته‌های این پژوهش مؤید این نکته بود که ایوان‌های باز سقائفارها با حذف جداره‌های صلب و ایجاد دید و دسترسی مشترک، امکان مشارکت همگانی در آیین‌های مذهبی را فراهم می‌کنند؛ این ویژگی با تحلیل‌های رابرت راپوپورت چک شد (Rapoport, 2005) درباره قابلیت کالبدی در شکل‌دهی رفتار اجتماعی هم‌راستا است. افزون بر این، ریتم تکراری ستون‌های چوبی که در چهار طرف بنا مستقر شده‌اند، حس نظم، امنیت روانی و وحدت جمعی را در میان شرکت‌کنندگان تقویت می‌کند؛ موضوعی که در مصاحبه‌ها بارها مورد تأکید قرار گرفت و با یافته‌های داوی (Dovey, 2016) در حوزه ریتم فضایی و ادراک رفتاری انطباق دارد. تحلیل‌ها نشان داد که پله‌های بیرونی سقائفارها نیز به‌عنوان مسیر انتقالی از فضای دنیوی به فضای قدسی عمل می‌کنند؛ موضوعی که در نظریه «فضاهای مقدس» الیاده (Eliade, 2013) به آن تصریح شده است. مشارکت‌کنندگان این حرکت آیینی را نوعی «بالارفتن با نیت قربت» توصیف کردند که ضمن آن، رفتار عبادی به سطحی نمادین ارتقاء می‌یابد.

یکی دیگر از نتایج قابل تأمل، نقش برجسته تزئینات نمادین و نقوش مذهبی سقائفارها بود که در ادراک معنا و بازتولید هویت جمعی مشارکت‌کنندگان تأثیرگذار است. کتیبه‌ها، نقوش ذوالجناح و دست‌علم‌ها، تصاویر اسطوره‌ای شهادت و مفاهیم ایثار، همگی به‌عنوان زبان نمادین، پیوند میان خاطره جمعی، هویت محلی و رفتار آیینی را تحکیم می‌کنند. این دستاورد با ایده‌های محمودی و طاووسی (Mahmoudi & Tavusi, 2008) و فروزانمهر و ولینگه (Foruzanmehr & Vellinga, 2011) در حوزه رمزگان‌های نمادین در معماری بومی هم‌راستا است.

مطالعه تطبیقی یافته‌ها با پیشینه پژوهش نشان داد که اگرچه پژوهش‌های متعددی روی کارکردهای آیینی معماری بومی ایران انجام شده است. اما اغلب آن‌ها تمرکز کافی بر رابطه مستقیم عناصر فضایی با الگوهای رفتاری جمعی آیینی نداشته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر مطالعه موردی سقائفارها،

به‌طور مشخص نشان داد که چگونه تعامل میان فضای کالبدی و نشانه‌شناسی مذهبی، کنش جمعی را سازمان‌دهی می‌کند؛ مسئله‌ای که در سنت نظری «فضا به‌مثابه رفتار» (Space as Behavior) نیز مطرح می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که سقائفارها نمونه‌ای عینی از یک معماری تعاملی هستند که به‌واسطه سازمان فضایی باز، سلسله‌مراتب معنادار و تزئینات رمزآلود، توانسته‌اند پیوندی ارگانیک میان کالبد، معنا و رفتار جمعی آیینی برقرار کنند. این ویژگی می‌تواند الگویی برای طراحی یا بازآفرینی فضاهای آیینی معاصر در ایران باشد؛ فضاهایی که ضمن حفظ اصالت فرهنگی، نیازهای رفتاری و اجتماعی جامعه امروز را نیز پاسخ دهند.

در نهایت، نتایج این پژوهش نشان داد که رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون، ابزاری کارآمد برای درک عمیق‌تر از لایه‌های معنایی فضاهای آیینی است و می‌تواند خلأ موجود در پژوهش‌ها صرفاً توصیفی یا کمی را پر کند. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این چارچوب تحلیلی در مقیاس‌های دیگر معماری آیینی و همچنین گونه‌های نوین بازطراحی این فضاها مرد استفاده شود.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف شناسایی مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در فضاهای آیینی شمال ایران با تمرکز بر سقائفارهای شهر بابل انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سقائفارها به‌عنوان یکی از کهن‌ترین سازه‌های آیینی شمال ایران، دارای ساختاری کالبدی و نمادین هستند که به‌طور مستقیم بر سازمان‌دهی رفتار جمعی مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد. نکات کلیدی به‌دست آمده عبارت‌اند از:

- ایوان‌های روباز و ستون‌های چوبی، با حذف مرزهای صلب و ایجاد قلمروهای باز، امکان حضور جمعی، مشارکت فعال و تجربه حس کمونیتاس را فراهم می‌کنند.
- پله‌های بیرونی به‌عنوان مسیر آیینی گذر از فضای دنیوی به قدسی، تجربه معنوی افراد را تشدید می‌کنند و به هویت‌یابی مراسم کمک می‌کنند.
- تزئینات نمادین و نقوش مذهبی علاوه بر زیبایی‌شناسی، نقش مهمی در بازتولید معنا و پیوند حافظه جمعی با رفتار آیینی دارند.

- سلسله‌مراتب فضایی عمودی سقائفار، نوعی تمایز معنایی میان طبقات و فعالیت‌های هر کدام ایجاد و به نظام‌مندی رفتارهای آیینی کمک می‌کند.

در پاسخ به سؤال پژوهش؛ سقائفارها با بهره‌گیری از ترکیب عناصر کالبدی و نمادین، توانسته‌اند رفتارهای جمعی آیینی را سامان دهند و حس تعلق، هویت و همبستگی اجتماعی را تقویت کنند.

- AlSayyad, N. (2014). *Traditions: The "real," the hyper, and the virtual in the built environment*. Routledge.
- Azizpour Shoubi, A., Hashempour, P., & Nezhad Ebrahimi, A. (2021). The inquiry to identify the cultural context of architecture from Nefar to Saqa-Nefar. *Journal of Research in Islamic Architecture (JRIA)*, 9(2), 39- 60. <http://dx.doi.org/10.52547/jria.9.2.39>
- Dovey, K. (2016). *Urban design thinking: A conceptual toolkit*. Bloomsbury Publishing.
- Eliade, M. (2013). *The sacred and the profane: The nature of religion* (Reprint ed.). Mariner Books.
- Foruzanmehr, A., & Vellinga, M. (2011). Vernacular architecture: questions of comfort and practicability. *Building Research & Information*, 39(3), 274- 285. <https://doi.org/10.1080/009613218.2011.562368/>
- Gehl, J. (2013). *Cities for people*. Island Press.
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Polity Press.
- Habibi, S. M., & Maghsoudi, A. (2022). *Urban restoration: Definitions, theories, experiences, charters and global resolutions, urban methods and actions 2601*. University of Tehran Press. <https://sl1nk.com/MaKeO>
- Jacobs, J. (2016). *The death and life of great American cities*. Vintage Books.
- Kalantar, A. A. (2020). Analytical study of the function of Mazandaran Saqanefars based on themes of decorations with an educational literature approach. *Negareh Journal*, 15(56), 71- 87. <https://doi.org/10.22070/negareh.2020.3122>
- Kasmai, M. (2013). *Climate architecture*. Khak Publications.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (New Edition). Wiley-Blackwell.
- Low, S. M. (2017). *Spatializing culture: The ethnography of space and place*. Routledge.
- Madanipour, A. (2017). *Cities in time: Temporary urbanism and the future of the city*. Bloomsbury.
- Mahmoudi, F., & Tavousi, M. (2008). Figurative motifs content in "Mazandaran Saqqa-talars": Comparative study in Shiyade and Kordkola Saqqa-talar's motifs. *Honar-ha-ye Ziba*, 36(0), 67- 76. <https://www.magiran.com/p579031>
- Memarian, G., & Brown, F. E. (2003). Climate, culture, and religion: Aspects of the traditional courtyard house in Iran. *Journal of Architectural and Planning Research*, 20(3), 181- 198. <https://sid.ir/paper/621866/en>
- Rafiee, Z. (2012). Transformation process of «Nefar» in vernacular architecture of Mazandaran. *Bagh-e Nazar*, 8(19), e720. https://www.bagh-sj.com/article_720.html?lang=en
- Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture and design* (2nd ed.). Locke Science Publishing Company.
- Salama, A. M. (2015). *Spatial design education: New directions for pedagogy in architecture and beyond*. Ashgate Publishing. <https://doi.org/10.43249781315610276/>
- Shepley, M. M., & Pasha, S. (2017). *Design for*

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی نیز شامل:
- گسترش مطالعات تطبیقی به دیگر گونه‌های معماری آیینی شمال و شمال غرب ایران.

- استفاده از یافته‌های این پژوهش در طراحی فضاهای آیینی معاصر به منظور ارتقای کیفیت تجربه جمعی و هویت فرهنگی.
- بررسی الگوهای فرم و جزئیات سقانفارها در بازآفرینی معماری بومی منطقه با رویکرد بوم‌ساختی و ارتقای سرزندگی اجتماعی.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که معماری آیینی سقانفارها فراتر از کالبد مادی، یک نظام معنایی- رفتاری پیچیده است که می‌تواند به‌عنوان الگویی ارزشمند برای طراحی فضاهای مذهبی و جمعی معاصر ایران به کار رود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- احدی، آزاده. (۱۳۹۳). بررسی ساختار سقانفار لدار. اثر، ۳۵(۶۴)، ۱۶-۳. <http://journal.richt.ir/athar/article-1-27-fa.html>
- اکبرپورکامی، مرضیه؛ هاشمی زرج آباد، حسن؛ محمودی، فتنه و حسامی، وحیده. (۱۳۹۴). بررسی نمادهای ملی و مذهبی نقوش سقانفارهای شهرستان بابل (مطالعه موردی شیاده و کبودکلا). دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. <https://sid.ir/paper/856464/fa>
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۹۷). آشنایی با معماری اسلامی ایران (تألیف غلامحسین معماریان). غلامحسین معماریان.
- جانعلیزاده چوب بستی، حیدر و ذال، محمد حسن. (۱۳۸۹). سقانفار؛ نماد معماری اسلامی: کارکردهای دینی و اجتماعی سقانفار در مازندران. کاوش‌های فلسفه و دین، ۳۳(۶)، ۱۱۱-۱۳۸. https://jre.journals.umz.ac.ir/article_621_134.html?lang=en
- حیدری، وحید و اسدی، زهرا. (۱۴۰۱). تحلیل ویژگی‌های کالبدی در سقانفارهای مازندران (همراه با مستندسازی و بررسی تطبیقی سقانفار قادیقلا). معماری‌شناسی، ۲۳(۱۵۳-۱۶۳). <http://noo.rs/QNUty>
- شیرین جانی، سمیه؛ صمدی فرد، زهرا و شریفیان، سیدعلی. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم و عملکرد ایوان در معماری ایرانی با تأکید بر تأثیرگذاری در ساختار معماری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. <https://civilica.com/doc/446798>
- محمودی، فتنه؛ طاووسی، محمود و فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). تجلی هویت ملی در هنر ایران با رویکردی به مضامین نقش‌مایه‌های تزئینی سقانفارها در مازندران. مطالعات ملی، ۱۰(۳۷)، ۷۵-۹۷. https://www.rjnsq.ir/article_99659.html
- مقبلی، آناهیتا؛ رستمی، مصطفی و باباجان تبار، فاطمه. (۱۳۹۱). مضمون‌های اساطیری و نمادهای آیینی در نگاره‌های سقف سقانفارهای بابل (مطالعه موردی: سقانفارهای کجیاتکیه- شیاده- کبودکلا- کبریاکلا- چمازکلا). نخستین همایش ملی هنر تبرستان (گذشته و حال)، بابلسر. <https://civilica.com/doc/387742/>

mental and behavioral health. Routledge. <https://doi.org/10.43249781315646916/>

- Turner, V. (1982). *From ritual to theatre: The human seriousness of play*. Performing Arts Journal Publications.
- Turner, V. (2012). *The ritual process: Structure and anti-structure*. Routledge. https://books.google.com/books/about/The_Ritual_Process.html?id=IBRuiOX8VEEC
- Zal, M. H., & Fallah, M. (2014). Ritual architecture structure and

function in Mazandaran: Saghanefars of Fereidunkenar, Mazandaran. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 2(3), 79-99. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-154-en.html>

- Zarei, A., Akbarpour Kami, M., & Paydarfard, A. (2021). Study and analysis of motifs of Saqanfars in the east of Mazandaran (Shia Deh, Ladar and Shahzadeh Reza). *Journal of Islamic Archaeology Studies*, 1. <https://doi.org/10.22080/jiar.2020.3097>



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

مهدی زاده، نجمه و خادم زاده، محمد حسن. (۱۴۰۴). مؤلفه‌های معماری مؤثر بر شکل‌گیری رفتار جمعی در فضاهای آیینی شمال ایران (مطالعه موردی: سقانه‌های شهر بابل). *باغ نظر*, ۲۲(۱۵۱)، ۲۵-۳۴.

DOI: [10.22034/bagh.2025.538765.5868](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.538765.5868)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_231358.html

